

حمله ارتش اسرائیل به نوار غزه جنایتی آشکار است

اکنون 8 روز پس از حملات هوایی، دریائی و موشکی و توپخانه ای نیروهای نظامی اسرائیل به ساکنان نوار باریک غزه نیروهای زمینی اش نیز وارد جنگی کاملاً نابرابر با مردم شده اند. بجای هرگونه بحثی در موردی که برای همه روشن است در اینجا تنها به چند نکته پرداخته میشود. یکی از نکاتی که اسرائیل، آمریکا و در مجموع غرب بعنوان چماق یا مجوزی برای هر عمل جنایت کارانه خود بر ضد دیگران در نظر گرفته اند "دمکراسی" است. حتی در مورد همین حمله به غزه نیز اسرائیل بارها این اسلحه را بکار گرفته و با تبلیغات کروکور کننده ای سعی دارد خود را کشوری دموکراتیک و کشتار مردم را حرکتی برای دموکراسی؛ و سایر کشورهای منطقه را بدور از دموکراسی نشان بدهد. اما سوای اینکه این دموکراسی مورد ادعای آنها چقدر واقعی است به همین نکته و از همین زاویه دموکراسی مورد ادعای خودشان به مسئله کشتار مردم غزه پرداخته میشود.

نکته اینجاست:

آیا نوار غزه جزئی از کشور اسرائیل است و یا کشوری مستقل میباشد؟

الف – اگر نوار غزه جزئی از اسرائیل است پس باید دید ریشه این مشکل در کجاست که اختلافات تا بدانجا میرسد که در کشوری جنگ داخلی صورت میگیرد. بدون هیچ بحثی کاملاً روشن است که اگر در کشوری حقوق مردم رعایت شود کار به اینجاها نمیکشد. مسلم اینستکه اسرائیل کشوری است که سیستمی و رای حکومت نژادی (آپارتاید) در آن عمل میکند زیرا کشوری است که تنها برای یک دین ایجاد شد؛ امری که بعنوان لکه ننگی تا پایان تاریخ بشر بر دامن مردمان قرن بیستم خواهد ماند زیرا نتوانستند از چنین افتضاحی جلوگیری کنند. حال با این افتضاحی که خودشان براه انداخته اند چگونه و با کدام رو به جمهوری اسلامی ایران انتقاد میکنند که حکومت مذهبی برقرار کرده اند؟! مگر اینکه فکر کنند، مردم دنیا یا احمق هستند و یا میتوانند با تبلیغات همه مردم را در حماقت فرو ببرند. اما در کشوری که مردمانش از هوا و زمین و دریا بعد از مدت‌ها محاصره غذایی و دارویی و... مورد حمله قرار میگیرند کدام صحبت از دموکراسی میتواند مطرح باشد. در کشوری که مردمانش توسط دولت با بمب های خوشه ای و انواع دیگر سلاح ها و حتی سلاح های ممنوعه در جنگ های میان کشورها، مورد حمله قرار میگیرند دیگر چه جای صحبت از دموکراسی است. اما یک استدلال که دولت صهیونیستی اسرائیل میکند آنستکه اینکار در برابر حملات فلسطینیان است. اگر هم واقعاً چنین باشد و این فلسطینیان هستند که شروع کننده هستند (که واقعیت چنین نیست) باز برمیگردیم به ابتدای صحبت و اینکه چرا مردم یا شهروندان کشوری با اسلحه به سراغ دولت میروند. اگر در کشوری دموکراسی است پس چرا باید چنین بشود؟ مسلماً تضادهای گوناگون و ظلم و ستم فاحش در جامعه و وجود شهروندان سوپر یا الهی و درجه چندم دلیل آنستکه چنین میشود. ظلمی که اعمال میشود و رای آپارتاید نژادی میباشد؛ آن نیز ناشی از تفکرات و عملکردهای صهیونیستی است که آپارتاید نژادی و مذهبی هر دو را با هم دارد و ریشه آن نیز در عهد عتیق میباشد.

ب – اسرائیل و نوار غزه دو کشور مجزا هستند؛ در این صورت حمله اسرائیل یک تجاوز آشکار به کشوری دیگر است و سازمان ملل باید مستقماً مداخله بکند. در این مورد نیز پرونده اسرائیل سیاه است و هر کاری که میخواید با سایر کشورها میکند مثلاً همین چند سال پیش به کشور لبنان حمله کرد و چند سال پیشتر نیز با پرواز برفراز چند کشور به عراق حمله کرد. از طرفی در کمال بیشرمی همواره میگوید که میخواید به ایران حمله بکند اما از یک حرف رئیس جمهور بی عرضه ایران بل میگیرد. گفته شد رئیس جمهور بی عرضه زیرا او نمیتواند با

استدلال و روش های دیپلماتیک و حتی با استفاده از امکانات یک دولت از خود بدرستی دفاع کرده و در واقع اسرائیل و صهیونیستها را در مقام دفاع بیاندازد بلکه خود در جایگاه محاکمه نشسته است. حال اسرائیل با این سابقه مملو از جنایت و کشتار، باز میخواهد خود را مظلوم نشان بدهد و مردم جهان بخاطر اینکه دارد در غزه آدم میکشد برای او گریه کنند.

صحنه های کشتار مردم بیگناه، زنان و کودکان غزه واقعاً تکان دهند است و هر کسی که ذره ای انسانیت در وجودش باشد نمیتواند از این جنایات چشم ببوشد.

جالب آنست که همین اسرائیل و حامی اصلی اش آمریکا برای مردم ایران دل میسوزانند که مثلاً فلان قوم یا ملت در ایران زیر ستم است. آیا واقعا ستم بر آنان تا بدین حد است که آب و غذا و دارو و... و کمترین امکانات زندگی بر روی آنها بسته شده است. درست است که مردم و اپوزیسیون ایران از وضع کشور و آزادیها راضی نیستند اما در مقام مقایسه با کشتار مردم غزه هیچ بحساب نمیآید. مردم غیرتمند و آزادیخواه ایران احتیاج ندارند تا آمریکا گروههای تروریستی مانند ریگی در بلوچستان بسازد و بعد سنگ نبود آزادی قومی در ایران را به سینه بزنند.

واقعیت اینستکه ایران و ایرانیان نیازی به دلسوزی این کشورهایی که خود از جنایتکارترین کشورهای طول تاریخ بشر هستند ندارند. از طرفی همین اعمال آنها و همین مخالفت آنها با دولت و سروصدای جنگ با ایران باعث میگردد تا اپوزیسیون ایران در برابر این خطرات خارجی (آمریکا و اسرائیل و هجوم استعمارگران) از حرکات خود در برابر رژیم بمیزان زیادی بکاهد تا مبادا در آینده در برابر قضاوت تاریخ بعنوان نیروهائی که در شرایطی که احتمال حمله خارجی بوده امکان این حمله را با تضعیف دولت مرکزی فراهم کرده اند، قرار بگیرند.

اگر خطر این کشورهای جنایتکار و غارتگر که دستشان آغشته به خون میلیونها انسان از فلسطین تا سومالی و رواندا و... میباشد، نبود آنگاه مبارزه با رژیم ایران برای ما ساده تر و به شکل دیگر و راحتتری بود. شما در امور داخلی ایران دخالت نکنید مطمئناً مردم و نیروهای ایرانی با بهره گیری از چند هزار سال تاریخ خود میتوانند راه خود را بیابند.

شما که دستتان به اینهمه خون آلوده است و ب مردم خود نیز رحم نمیکنید با کدام رو بخود جرات میدهید برای دیگران نسخه دمکراسی و آزادی بپیچید؟

کسی نیازی به نسخه بیماران روانی و آدمکشان حرفه ای ندارد.

هر چند قرار نبود یک بررسی وسیع صورت بگیرد زیرا که نیروها و سازمان های بسیاری هرکدام گوشه ای از واقعیات و جنایات این دولتهای ضد بشری (البته با ادعای دفاع از حقوق بشر) و واقعیات غزه را بیان میکنند ولی جای بررسی و یا نگاهی کوتاه به چند نکته ظریف دیگر نیز هست.

1 - بعضی دولتهای عربی و در راس آنها عربستان سعودی که سرمایه های اصلی اشان را در بانکهای آمریکائی که اکثراً هم متعلق به یهودیان صهیونیست بوده در این رکود مالی از دست داده اند، انگیزه مضاعفی دارند تا از اسرائیل در حمله به مردم غزه دفاع کنند زیرا فکر میکنند شاید اندکی از پولهایشان بازگردانده شود.

کشور دیگری مانند امارات که همین چند دهه پیش تشکیل شده بصورت بازیچه ای بی اختیار است و سایر کشورهای حاشیه خلیج پارس نیز که هرکدام از ضعف های زیادی رنج میبرند قدرت و اختیاری ندارند.

در این میان تنها مصر است که از سابقه و تاریخ کشوری مستقل برخوردار بوده و به دلایل مختلف از سایرین برتر است لیکن از آنجا که اقتصاد این کشور وابسته به کمکهای آمریکاست کاری نمیتواند انجام دهد. اما ورای اینها اکثریت قریب به اتفاق رهبران کشورهای باصطلاح عربی منطقه مردمانی پول پرست، بوالهوس و حقیر هستند که وابسته به غرب شده اند؛ و حساب آنها از اکثریت مردم آن کشورها مجزا میباشد.

2 - اسرائیل به پیروزی خود در جنگ 1967 که بیشتر از 40 سال پیش بوقوع پیوست بسیار میبالد و آنرا بعنوان معجزه ای بخورد مردم میدهد. اما یک بررسی ساده تمام این تبلیغات دروغین را افشا میکند.

تا زمان جنگ اول و دوم جهانی سرزمین های کشورهای عربی کنونی در تحت حاکمیت دولت عثمانی قرار داشتند و هیچکدام از سابقه کشوری مستقل بهره نداشتند. حتی کشور کنونی عراق محل کشمکش بزرگی میان ایران و عثمانی بود و هرکدام ادعای مالکیت آنرا داشتند و بارها دست بدست گشت، همین حضور میلیونی ایرانیان در عراق نشانی از آن رابطه گسترده قدیمی است. بهر صورت کشورهای خاورمیانه تماماً جدیدالتاسیس میباشند.

دلیل شکست و تقسیم عثمانی نیز یهودیان صهیونیست بودند که از چند قرن پیش در فکر ایجاد دولتی صهیونیستی و مترصد موقعیت بودند. با وضعیتی که صهیونیستها ایجاد کردند یعنی براه انداختن جنگهای اول و دوم جهانی و با تلاشی دولت عثمانی چند کشور در منطقه ایجاد کردند که هیچکدام تجربه کشورداری (در هیچ موردی را) نداشتند. بنابراین زمانیکه اسرائیل که بصورت یک پادگان نظامی آمریکائی در منطقه قصد حمله به کشورهای عربی را کرد در برابرش هیچ نیروی قابل توجهی (که حتی از یک جهت) دارای نیرو و تجربه باشد، وجود نداشت. پس بسادگی با استفاده از بسیاری ترفندها نظامی و غیرنظامی آنها را در مدت کمی شکست داد. اما اکنون وضعیت تغییر کرده و مردم فلسطین بعد از سالها مبارزه دانش های گوناگونی کسب کرده اند.

لیکن چرا اسرائیل در این روزها به غزه حمله کرد از جانب بسیاری نیروها و تحلیل گران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و دلایلی ارائه داده اند که جنبش روشنفکری- ایران نیازی به تکرار حرفهای گفته شده دیگران نمیبیند ولی در مجموع غالب تحلیل ها باز میگردد به چند نکته: اینکه دوره برزخ یا جابجائی در ریاست جمهوری آمریکا یعنی از جرج بوش به اوباما است و همچنین روزهای سال نو که تقریباً همه چیز در اروپا و آمریکا تحت تاثیر تعطیلات در سکوت است. اما این معادلات همیشه درست از آب در نمیآید زیرا از طرفی این ایام با مراسم ماه محرم برای شیعیان مصادف شده که روحیه آنها را بالا میبرد و دیگر اینکه همین دوره برزخ ریاست جمهوری میتواند بضرر آنها تمام شود.

نهایت اینکه:

اسرائیل و پیش از آن صهیونیستها با کوله باری مملو از جنایت چگونه شرم نمیکنند که هنوز میخواهند مردم غرامت فلان یا بهمان چیز را به آنها بپردازد و فلان صهیونیست ادعا میکند که بدلیل آسیبی که به فلان فامیل دورش خورده باید میلیونها دلار غرامت بگیرد. چرا مردم سایر کشورها و از جمله غزه و لبنان و ایران ادعای خسارتهای میلیونی بابت اینهمه جنایت نمیکنند. اینها هم باید یاد بگیرند و اگر اسرائیل و صهیونیستها بابت آنچه که هولوکوست مینامند هنوز بعد از چند دهه مردم جهان را وادار میکنند که شرمنده آنها باشند و غرامت بپردازند و از طرفی تمامی درها را برای بررسی بیطرفانه آن واقعه میبندند، سایرین نیز از همین حق و حقوق برخوردار هستند و باید با همین سلاح یعنی در خواست غرامت مالی به جنگ آنها بروند. آنوقت دیده میشود تمام آن ثروتی که اینها از همین راهها کسب کرده اند باضافه مبلغی بیشتر را باید بمردم جهان بپردازند.

4 ژانویه 2009

جنبش روشنفکری - ایران

info@intellectualism-movement-iran.com